

است. وی عبارت «یا ثاراتِ الحسین» را نیز شاهد مثال آورده و معنای آن را چنین ذکر کرده است: «ای خونیهای حسین حاضر شوید که اکنون زمان طلب کردنتان است» (در این باره به طهرانی، ص ۱۶۳). هر چند ممکن است «یا ثاراتِ» تسهیل یا تصحیف شده «یا آل ثارات» باشد (به ابن طواوس، ج ۳، ص ۲۹، پانویس ۵؛ ابن نما، ص ۱۰۲، پانویس ۸).

ثارالله در احادیث و متون شیعی به عنوان یکی از القاب امام حسین علیه السلام ذکر گردیده است. این تعبیر در برخی زیارات مخصوص امام حسین علیه السلام، از جمله زیارت عاشورا (به ابن قولویه، ص ۳۲۸؛ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۷۷۴) و زیارت وارث (به مفید، ص ۹۵؛ طوسی، همان، ص ۷۲۰) و چند زیارت دیگر (به کلینی، ج ۴، ص ۵۷۶؛ ابن بابویه، ۱۳۶۷-۱۳۶۹ ش، ج ۳، ص ۵۱۸؛ ابن قولویه، ص ۳۶۴)، در عباراتی چون «السلام علیک یا ثارالله و ابن ثاره» وارد شده است. همچنین شاعر بزرگ شیعی، ابن رومی (متوفی ۲۸۳؛ ج ۲، ص ۲۷)، در قصیده بلندی که در رثای یحیی بن عمر (از نوادگان امام حسین علیه السلام که در ۲۵۰ به فرمان حکومت وقت به شهادت رسید) سروده، این تعبیر را به کار برده است (در باره این قصیده به ابوالفرج اصفهانی، ص ۴۲۹-۴۳۰؛ عقّاد، ص ۲۱۰-۲۱۵).

در مجموع، لغویان و حدیث‌شناسان، پنج وجه معنایی برای ثارالله ذکر کرده‌اند: اول آنکه ثار مصدر و مضاف آن (اهل) محذوف است، در این صورت ثارالله یعنی کسی که شایسته آن است که خداوند خونخواهی او را بکند (به مجلسی، ج ۹۸، ص ۱۵۱)، دوم آنکه ثار به معنای مفعولی (مثنور) است، یعنی کشته شده‌ای که خونخواه دارد و ثارالله به کسی گفته می‌شود که خدا خونخواه اوست (به زمخشری، همانجا)؛ سوم آنکه ثار به معنای مطلق خون در نظر گرفته شود، در این حالت ثارالله همانند تعبیراتی چون عین‌الله و یدالله در معنای مجازی به کار رفته است؛ وجه چهارم آنکه ثار تصحیف ثائر، و «ثارالله» مترادف «الثائرالله» است، در این صورت ثارالله به معنای کسی است که در راه خدا و برای او خونخواهی کرده است (طریحی، ذیل «ثار»؛ مجلسی، همانجا) وجه پنجم آنکه ثار به معنای خون طلب شده است، در این صورت، اضافه‌اش به الله از آن جهت است که خداوند ولی حقیقی این خون است. میرزا ابوالفضل طهرانی (ص ۱۶۳-۱۶۴)، ضمن بیان این پنج وجه، به ارزیابی آنها پرداخته است. وی قول نخست را به دلیل خلاف ظاهر بودن و قائل شدن به تقدیر نپذیرفته و احتمال دوم را، گرچه مانعی ندارد، به سبب عدم تصریح لغویان بعید دانسته و وجه سوم را به دلیل اینکه ثار به معنای خون قابل مطالبه و نه مطلق خون است، دور از صواب شمرده است. در مورد وجه چهارم نیز معتقد است با وجود نسخه‌های صحیح، قول به تصحیف درباره این لفظ چندان

مسجد بن عبد الوهاب، بیروت [؟/۱۳۸۸/۱۹۶۸]؛ احمد عنانی، «رحلات الکتابین ولیم آیرفن شیکسیر فی شبه الجزيرة العربية»، در دراسات تاریخ الجزيرة العربية، کتاب ۱: مصادر تاریخ الجزيرة العربية، چاپ عبدالقادر محمود عبدالله، سامی صفار، و ریچارد مورتل، ج ۲، ریاض: مطبوعات جامعة الرياض، ۱۳۹۹/۱۹۷۹؛ محمد بن مرتضی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۵، چاپ معطفی حجازی، کویت ۱۳۸۹/۱۹۶۹؛ الموسوعة العربية العالمية، ریاض: مؤسسة اعمال الموسوعة للنشر و التوزيع، ۱۴۱۹/۱۹۹۹؛ عبدالرحمان عبدالکریم نجم، البحرین فی صدر الاسلام و اثرها فی حركة الخوارج، بغداد ۱۹۷۳؛ یاقوت حموی؛

ELP, s.v. "Thādij" (by G. R. Smith).

/ ستار عودی /

ثارالله، لقب امام حسین علیه السلام در منابع شیعی. ثار از ماده «ثار» است که در آن همزه به الف بدل شده است. ثار در لغت به معنای خون و خونخواهی و قاتل و دشمن و به صورت (مثلاً ثارت فلان/ثارت فلان) به معنای کشتن قاتل برای انتقام خون مقتول است (جوهری؛ ابن فارس؛ ابن منظور؛ مرتضی زبیدی، ذیل «ثار»). خونخواهی و انتقام از عادات عرب پیش از اسلام و ثار از مفاهیم رایج در فرهنگ آن زمان بوده، چنانکه در کتب تاریخ و تفسیر گوشه‌هایی از اعتقادات و رفتارهای عرب جاهلی در این زمینه گزارش شده است (الموسوعة الفقهية، ذیل «ثار»؛ نیز به جوادعلی، ج ۵، ص ۵۹۲-۶۰۴)؛ از این رو، واژه ثار با تعبیرات متعدد و متنوعی در کتب قدیمی لغت یافت می‌شود. اگر چه تعبیر ثارالله در این کتابها نیامده، آرای لغویان مشهور در باره معنای ثار در تعبیرات مشابه، در بیان معنای آن مورد توجه بوده است.

جوهری (همانجا) ثار را در تعبیر «یا ثاراتِ فلان» به معنای قاتل دانسته است و بیشتر لغت‌نویسان بعدی به رأی او استناد کرده‌اند. مشهورترین شاهد مثال برای این تعبیر، «یا ثاراتِ عثمان» است که هم در حدیث و هم در شعر حسان بن ثابت آمده است (به حسان بن ثابت، ج ۱، ص ۹۶؛ زمخشری؛ ابن اثیر، ذیل «ثار»). ابن اثیر (همانجا) در توضیح این تعبیر دو معنا برای ثار ذکر کرده است: نخست آنکه بر اساس قول جوهری ثار به معنای قاتل است؛ بنابراین، منادا در این تعبیر قاتلان عثمان‌اند که به منظور ایجاد وحشت در دل آنها، مورد خطاب قرار می‌گیرند. دوم آنکه در این ترکیب، مضاف (اهل) حذف شده است که در این صورت مخاطب، خونخواهان عثمان‌اند که برای خونخواهی طلبیده می‌شوند (نیز به ابن منظور؛ مرتضی زبیدی، همانجاها). زمخشری (همانجا) این دو وجه را، به ترتیب، از قبیل استعمال مصدر در معنای اسم مفعول و اسم فاعل دانسته

پذیرفتنی نیست، ضمن اینکه از نظر لغوی (به زمنشتری، همانجا) ثار به معنای ثائر استعمال می‌شود، لذا نیازی به قول به تصحیف نیست. از نظر وی قول پنجم، که به گفته او پیش از وی سابقه نداشته، صحیح‌ترین و مناسب‌ترین وجه است.

در برخی احادیث امامان شیعه علیهم‌السلام، که شامل تعلیم کیفیت زیارت مزار امام حسین علیه‌السلام است و تعبیر ثارالله در آنها به کار رفته، مراد از این تعبیر نیز توضیح داده شده است. مضمون این روایات آن است که امام حسین علیه‌السلام «ثارالله فی الارض» است و خداوند، که خود منتقم خون اوست، همه انسانها را دعوت به خونخواهی وی می‌کند و سرانجام اولیای امام حسین علیه‌السلام انتقام خون وی را خواهند گرفت (برای نمونه به این قولویه، ص ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۸۶؛ مجلسی، ج ۹۸، ص ۱۴۸، ۱۶۹). از اقوال ذکر شده درباره مراد از «ثارالله» در این روایات، آن است که خود آن حضرت به امر خدا در دوران رجعت، انتقام خون خود و خاندانش را از دشمنانش خواهد گرفت (به مجلسی، ج ۹۸، ص ۱۵۱؛ نراقی، ص ۳۰۰). به علاوه، بر اساس حدیثی از امام صادق علیه‌السلام، در آیه ۳۳ سوره اسراء («وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا...») مراد از مظلوم، امام حسین علیه‌السلام و مراد از ولی او امام قائم است که به خونخواهی آن حضرت قیام خواهد کرد (به کوفی، ص ۲۴۰؛ عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰؛ مجلسی، ج ۴۴، ص ۲۱۸). همچنین طبق احادیث دیگری هنگامی که فرشتگان با دیدن واقعه کربلا اندوهگین شدند و لب به اعتراض گشودند، خداوند به آنان بشارت داد که به وسیله حضرت قائم از ظالمان به امام حسین علیه‌السلام انتقام خواهد گرفت (به کلینی، ج ۱، ص ۴۶۵؛ ابن بابویه، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۶۰؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۱۸).

در دوره معاصر، علی شریعتی* (متوفی ۱۳۵۶ ش) بیش از دیگران، این تعبیر را مطمح نظر قرار داد. وی با توجه به مفهوم ثار در جامعه‌شناسی و فرهنگ عرب و جریان آن در تاریخ و فرهنگ شیعه، میان این مفهوم و مفاهیم ثوره و وراثت پیوندی برقرار کرد که به نظر وی تفسیرکننده فلسفه تاریخ اسلام و انسان از دید شیعی است. به گفته او تمام داستان زندگی انسان از آدم و ماجرای هابیل و قابیل تا آخرالزمان و تحقق انتقام جهانی، تلاش برای خونخواهی است، همچنانکه سراسر تاریخ شیعه پر از خونریزیها و در نتیجه ثارهایی است که از هر نسل به نسل بعدی به ارث می‌رسد. اما تفاوت این ثارها با ثارهای دیگر نظیر آنچه در عصر جاهلیت رواج داشته، آن است که اینها ثارالله‌اند. در این میان امام حسین علیه‌السلام، که حلقه‌ای از زنجیر طولانی آدم علیه‌السلام تا آخرالزمان است، وارث این خونهاست که خودش

نیز به صورت ثار (ثارالله) در آمده است (به شریعتی، ص ۹۵-۱۰۶). علی اکبرین محمدامین لاری در قرن سیزدهم رساله‌ای با نام شرح حدیث «یا ثارالله و ابن ثاره» نوشته که موضوع اصلی آن اثبات طهارت خون امامان و مباحثی در اثبات عصمت آنان است (حسینی اشکوری، ج ۱۱، ص ۹۹-۱۰۰).

منابع: ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث والاثار، چاپ صلاح‌بن محمدبن عویضه، بیروت ۱۴۱۸/۱۹۹۷؛ ابن بابویه، علل الشرایع، نجف ۱۳۸۶/۱۹۶۶، چاپ افست قم [بی‌تا]؛ همو، کتاب من لایحضره الفقیه (ترجمه و متن)، ترجمه محمدجواد غفاری، صدر بلاغی، و علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۷-۱۳۶۹ ش؛ ابن رومی، دیوان، چاپ عبدالامیر علی مهنا، بیروت ۱۴۱۱/۱۹۹۱؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۴-۱۴۱۶؛ ابن فارس؛ ابن قولویه، کامل الزیارات، چاپ جواد قیومی، قم ۱۴۱۷؛ ابن منظور؛ ابن نما، ذوب النصار فی شرح الثار، چاپ فارس حسن کریم، قم ۱۴۱۶؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، چاپ کاظم مظفر، نجف ۱۳۸۵/۱۹۶۵، چاپ افست قم ۱۴۰۵؛ جوادعلی، المسفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد ۱۴۱۳/۱۹۹۳؛ اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، چاپ احمد عبدالغفور عطار، قاهره ۱۳۷۶، چاپ افست بیروت ۱۴۰۷؛ حسان بن ثابت، دیوان، چاپ ولید عرفات، لندن ۱۹۷۱؛ احمد حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، قم ۱۳۵۴-۱۳۷۶ ش؛ محمودبن عمر زمنشتری، اساس البلاغة، مصر ۱۹۷۲-۱۹۷۳؛ علی شریعتی، حسین وارث آدم، تهران ۱۳۸۱ ش؛ فخرالدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین، چاپ احمد حسینی، تهران ۱۳۶۲ ش؛ محمدبن حسن طوسی؛ الامالی، قم ۱۴۱۴؛ همو، مصباح المستعجد، بیروت ۱۴۱۱/۱۹۹۱؛ ابوالفضل بن ابوالقاسم طهرانی، شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور، تهران ۱۳۷۶ ش؛ عباس محمود عقاد، ابن الرومی: حیاته من شعره، مصر ۱۳۷۶/۱۹۵۷؛ محمدبن مسعود عیاشی، کتاب التفسیر، چاپ هاشم رسولی محلاتی، قم ۱۳۸۰-۱۳۸۱، چاپ افست تهران [بی‌تا]؛ کلینی؛ فترات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فترات الکوفی، چاپ محمدکاظم محمودی، تهران ۱۴۱۰/۱۹۹۰؛ مجلسی؛ محمدبن محمد مرتضی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ علی شیری، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۴؛ محمدبن محمد مفید، کتاب المزار، چاپ محمدباقر موحدی ابطحی، قم ۱۴۰۹؛ الموسوعة الفقهیة، ج ۱۵، کویت؛ وزارة الاوقاف والشئون الاسلامیة، ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ محمد مهدی بن ابی ذر نراقی، مشکلات العلوم، چاپ حسن نراقی، تهران ۱۳۶۷ ش.

/ مهرداد عباسی /

نامسطیوس (Themistios)^۱، شارح برجسته آثار ارسطو، فیلسوف، مدرس، خطیب توانا و سیاستمدار پرنفوذ. وی پیش از ۳۲۰ میلادی (احتمالاً در ۳۱۷) در سرزمین اجدادش،